

استانداردهای آموزشی نظام آموزشی کشور: مزایا و چالش‌ها

زمانه امین زاده^۱ فهیمه صدیقی^۲ سروه رسولی^۳ فرشته خسروی^۴

۱. کارشناسی مدیریت و برنامه آموزشی، دانشگاه پیام نور واحد بانه

zamanehaminzadeh26@gmail.com

۲. کارشناسی مدیریت چند بخشی، دانشگاه پیام نور واحد سقز

fahime.sedighy@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور واحد بیجار

serwhrassouli@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه کردستان

f.khosravi0566@gmail.com

چکیده

نظام آموزشی هر کشوری نیازمند استانداردهای آموزشی مناسب برای بهبود کیفیت و کارایی آموزش و پرورش است. یکی از مزایای اصلی این استانداردها، ارائه راهنمایی برای توسعه و بهره‌وری منابع برای بهبود کیفیت و کارایی آموزش است. این استانداردها باعث بهبود ارتباط و هماهنگی بین نهادهای مختلف نظام آموزشی می‌شوند. استانداردها به عنوان یک فرآیند پویا در نظام آموزشی کشور باید به طور منظم بررسی و به روز شوند تا بتوانند اهداف اصلی خود یعنی بهبود کیفیت و کارایی آموزش را به خوبی رقم بزنند. یکی از چالش‌های اصلی، اجرای یکپارچه‌ی آن‌ها در سطوح مختلف نظام آموزشی است. به علاوه، بازخوردهای به دست آمده از ارزیابی استانداردها ممکن است در برخی موارد نامطلوب باشند و باعث شکایت‌هایی از سوی نهادهای آموزشی و آموزش‌دیدگان شوند. استفاده از استانداردهایی که در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده‌اند، به محیط آموزشی کمک می‌کند تا به محیط آموزشی مناسبی تبدیل شود. استانداردهای آموزشی نظام آموزشی کشور، شامل جامعه و فرآیندهای آموزشی می‌باشد و بسته به ویژگی‌های فرهنگی، ویژگی‌های طیف رنگی و ویژگی‌های جغرافیایی هر کشور، متفاوت است. استانداردهای آموزشی نظام آموزشی کشور تعیین کننده دستورالعمل‌هایی هستند که برای بهبود کیفیت آموزش، دانش و مهارت‌های دانش‌آموزان و تسهیل برای دستیابی به هدف‌های آموزشی تعیین شده‌اند. این استانداردها شامل مقرراتی هستند که شیوه تدریس، محتوای درسی و اختصاص منابع و تجهیزات آموزشی را به عنوان قسمتی از فرآیند آموزش و پرورش تعیین می‌کند. مزایای استفاده از استانداردهای آموزشی شامل بهبود کیفیت آموزش، تشویق دانش‌آموزان برای بیشتر درس خواندن و تمرین، ایجاد انگیزه برای برنامه ریزی مربوط به آموزش و یادگیری و ارتقای سطح مهارت شناختی و کارآمدی دانش‌آموزان است. چالش‌های مرتبط با اجرای استانداردهای آموزشی شامل کمبود منابع، بروز مشکلات خلاقیت در طراحی و اجرای سیستم آموزشی، عدم هماهنگی میان ابزارهای آموزشی و همچنین نقص در شفافیت فرآیند‌های آموزشی است.

واژگان کلیدی: استانداردهای آموزشی، نظام آموزشی، اهداف آموزشی، سطح دانش، مهارت‌ها، رویکردهای

آموزشی، ارزیابی

۱. مقدمه

تاریخ کشورهای پیشرفته یا در حال پیشرفت نشان می دهد که مدیران و برنامه ریزان این کشورها به استانداردها و استانداردسازی در آموزش توجه جدی دارند و آن را در جامعه ترویج می کنند. در حال حاضر، در بسیاری از کشورها مسئله استاندارد در سال های پایانی دبیرستان و مقاطع مختلف دانشگاهی تدریس می شود و این موضوع به یک پدیده فرهنگی و اجتماعی مهم تبدیل شده است. استفاده از عبارات "استاندارد" و "استانداردسازی" بیشتر در حوزه صنعت و تولید مرسوم است، اما باید توجه داشت که فرآیند استانداردسازی می تواند در تمامی حوزه های زندگی انسان مورد توجه قرار گیرد. می توان تعلیم و تربیت را نیز در این قالب ارائه داد.

امروزه هیچ سازمان یا موسسه ای را نمی توان یافت که از جهت های گوناگون با امر استاندارد سروکار نداشته باشد. از بین همه این استانداردها، استاندارد کردن نظام آموزشی به دلیل ویژگی های خاصی که دارد، اهمیت بیشتری را به خود اختصاص داده است. نظام آموزش و پرورش یک کشور، حیاتی ترین و زیربنایی ترین بخش برای اقتصاد آن کشور محسوب می شود و در عین حال، نهادی است که تمام افراد به نوعی با آن مرتبطند. بنابراین، این نهاد به عنوان مهمترین نهاد شناخته می شود. در کشور ما، نزدیک به هفده میلیون و یکصد هزار دانش آموز و بیش از نهمصد هزار نفر معلم و کارمند در بیش از ۱۳۸ هزار آموزشگاه به صورت مستقیم فعالیت دارند. با وجود این گستردگی، برای جلوگیری از بی راه رویی ها، نیاز به وجود چهارچوب های مشخص برای انجام فعالیت های گوناگون در این نظام با نام استاندارد و استانداردسازی، بیش از هر چیز احساس می شود. به طور کلی، در استانداردسازی در آموزش و پرورش، می توان سه عامل عمده را نام برد:

۱- افزایش فاصله علمی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به طوری که کشورهای توسعه یافته به استانداردسازی در نظام آموزشی توجه بیشتری دارند.

۲- آگاهی جامعه درباره فواید استفاده از استانداردها در زمینه های مختلف، که به مرور زمان افزایش می یابد.

۳- ضرورت جلوگیری از بی راه رویی ها و تکیه بر چارچوب های مدون و اعتمادبخش برای رسیدن به استانداردهای پایدار. استاندارد مفهوم ثابتی ندارد و همراه با دگرگونی ها و پیشرفت هایی که در اثر تحقیقات علمی به وجود می آیند، معیارهای آن نیز دچار تغییر می شود. استاندارد تبلور آگاهی و آزمایش گذشته است که مبنایی برای پیشرفت های آتی محسوب می شود. بکارگیری استانداردها در سازمان ها، فواید زیادی را به همراه دارد. بهره گیری از آنها می تواند موجب ساده سازی امور، امکان تعویض پذیری آنها، افزایش ایمنی فعالیت ها و صرفه جویی در منابع مادی و اقتصادی و انسانی را به همراه داشته باشد. در این میان، استانداردهای آموزشی را می توان به عنوان سیستم و سامانه ای در نظر گرفت که کار کنترل کیفی فعالیت ها و خدمات ارائه شده از سوی آن را بر عهده دارند.

بکارگیری استانداردها در آموزش و پرورش، نیازمند رعایت پیش نیازهایی است که توجه به آنها می تواند موجب تحقق و ترویج و همچنین پایداری استانداردها به گونه ای بهتر شود. از جمله این پیش نیازها، تعریف دقیق اهداف نظام آموزشی و نیازهای آن، شناسایی دقیق خواسته های جامعه از این نظام و راه های دستیابی به آنها و همچنین افزایش توان انطباق پذیری نظام آموزشی با توجه به تحولات پیرامونی، از جمله تحولات جهانی، است.

تاریخچه استاندارد

استفاده از استانداردها دارای سابقه طولانی است و این پدیده در طول تاریخ بشر وجود داشته است. استانداردها همانند بسیاری از پدیده های طبیعی، در نتیجه گذر از دوره های زمانی و با توجه به شناخت و درکی که انسان از محیط پیرامون خود به صورت ناخودآگاه کسب کرده است، بوجود آمده اند. به عنوان مثال، سیستم شمارش ده دهی که در حال حاضر همچنان مورد استفاده قرار می گیرد، به گذشته بسیار دور بازمی گردد. این سیستم از تعداد انگشتان دو دست انسان تأثیر گرفته است. همچنین، استاندارد کردن تقویم و تعداد روزهای ماه در سال رومی، توسط ژولیوس سزار در سال ۴۶ پیش از میلاد مسیح انجام شده است. در کشور ما،

علیرغم ایجاد تشکیلات رسمی و مستنداتی که در سال ۱۳۰۴ با تصویب قانون وزن و اندازه‌ها به وجود آمد، پیشینه استاندارد قدمت بسیار زیادی دارد و با توجه به مدارک تاریخی، فرهنگی و هنری که باقی مانده‌اند، به هزاران سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. از جمله این واحدها، واحد "کوبیت" بود که بیشترین طول آن با طول دست انسان برابری داشت و برداشتی از فاصله از سر انگشتان تا مفصل ساعد بود. همچنین، باید به واحد "وجب" اشاره کرد که طولی نزدیک به نصف کوبیت داشت. زندگی انسان به مرور زمان و با پیشرفت جامعه، به وجود ملاک‌ها و شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری و ارزیابی امور و پدیده‌ها نیاز داشت. در این مسیر، رویدادهای تاریخی هم بی‌اثر نبودند. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۶، بیست و پنج کشور جهان در یک ملاقات در لندن، به تأسیس سازمان بین‌المللی برای استانداردها اقدام کردند تا از طریق آن، به دنبال راه‌های ارتقاء کیفیت در کارها باشند. در سال ۱۹۴۷، سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) تأسیس شد و در حال حاضر، بیش از ۹۰ کشور جهان، از جمله ایران، عضو این سازمان هستند. از ابتدای کار، سازمان مذکور با تشکیل کمیته‌های فنی، در زمینه‌های مختلف، استانداردهای مختلفی را تهیه کرد. در سال ۱۹۷۹، کمیته فنی ۱۹۶ (TC196) سازمان بین‌المللی استاندارد به نام "کمیته تضمین کیفیت و مدیریت کیفیت" تشکیل شد، که هدف آن تهیه استانداردهایی برای تضمین کیفیت بود. در ادامه، در سال ۱۹۸۶، اولین استانداردهای مربوط به سیستم‌های کیفیت با عنوان واژه‌شناسی کیفیت و تعاریف مفاهیم سخت تحت شماره ISO 8402 تهیه و تدوین شد. در سال ۱۹۸۷، سلسله استانداردهای سیستم کیفیت تحت شماره ۹۰۰۰ تا ۹۰۰۴ از سوی سازمان بین‌المللی استاندارد منتشر شد. این استانداردها در سال ۲۰۰۰ با ویرایش‌های جدید به منظور بهره‌برداری دقیق‌تر بروزرسانی شدند.

تعریف و مفهوم استاندارد

استانداردهای آموزشی به عنوان راهنمایی برای تعیین سطح علمی و دانشی که در یک آموزش مورد نیاز است، استفاده می‌شوند. این استانداردها شامل مواردی مانند مفاهیم اساسی و حرفه‌ای، مهارت‌ها، قابلیت‌ها، واجدین شرایط و سایر مواردی هستند که یک شخص در پایان یک آموزش باید بداند. در تعریف استانداردهای آموزشی، معمولاً محتوای آموزش، روش‌های آموزش، روش‌های ارزیابی و معیارهای پیشرفت و ارزیابی دانش آموزی تعیین می‌شوند. برای مثال، برای یک آموزش مربوط به طراحی وب، استانداردهای آموزشی ممکن است شامل مواردی مانند آشنایی با CSS، HTML، جاوا اسکریپت، روش‌های طراحی وب و ... باشد. تعریف استانداردهای آموزشی، به مدرسین و دانشجویان کمک می‌کند تا متوجه مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای بهره‌مندی از یک آموزش شوند. همچنین استانداردهای آموزشی می‌تواند به عنوان راهی برای تضمین کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد. استاندارد سطحی، کیفیتی است که به طور عموم توسط افراد قابل قبول شناخته شده است. این استاندارد یک قانون و قاعده نظامی است که برای تضمین بهبود کیفیت، بر اساس نتایج علوم و فنون و تجربیات انسانی، ایجاد شده است. اصطلاح استاندارد، یک ضابطه و قاعده کلی را معنا می‌دهد که هر فرایندی که بر اساس اصول منظم و مترتب انجام شود، به آن اطلاق می‌شود. استاندارد، نتیجه برداشت و آزمایش گذشته است و نشانگر تجربیاتی است که برای بهبود عملکرد آینده به کار می‌رود. همچنین، در کتاب ارزشیابی آموزشی، عباس بازرگان استاندارد را به عنوان نشانگرهای کیفیت ملاک تعریف کرده است. در واقع، تعیین استانداردها همانند تعیین ملاک‌ها یک مسئله قضاوتی است. بر اساس بیان سازمان بین‌المللی استاندارد، استاندارد مدرکی است که شامل قواعد و راهنمایی‌ها و ویژگی‌هایی برای فعالیت یا نتایج آنها به منظور استفاده عمومی و مکرر می‌باشد و از طریق هم‌رایی و با تصویب از سوی سازمان شناخته شده است. هدف از تعیین استانداردها دستیابی به میزان مطلوبی از نظم و بهبود کیفیت در یک زمینه خاص است.

با توجه به بررسی تاریخی، مشخص شده است که استاندارد سازی بیشتر در مسائل مادی و فیزیکی و در صنعت، مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه آموزش و پرورش، بررسی‌ها نشان می‌دهند که این موضوع در جهان دارای قدمت دو دهه‌ای است، اما قبل از آن نیز استانداردها در نظام آموزش و پرورش وجود داشته‌اند. پیش از این، توجه علمی به استانداردها از دو دهه پیش آغاز شده است. در کشور ما، پیشینه استاندارد نیز از قدمت بسیار زیادی برخوردار است و به استناد آثار تاریخی، فرهنگی و هنری به جا مانده،

به هزاره‌های قبل از میلاد برمی‌گردد. با این حال، در زمینه آموزش و پرورش، فعالیت استانداردسازی به طور مستقیم در دستور کار معاونت برنامه‌ریزی منابع انسانی و دفتر بهبود کیفیت و راهبری استانداردها به‌عنوان یک موضوع جدی در نظر گرفته شده و تنها یک سال است که به آن توجه بیشتری شده است. استانداردهای آموزشی می‌توانند به‌عنوان یک سیستم و سامانه در نظر گرفته شوند که کنترل کیفیت فعالیت‌ها و خدمات ارائه شده از سوی این نظام، برعهده آن قرار دارد.

استانداردهای آموزشی که در سازمان‌ها به کار می‌روند، بر اساس مطالعات و پژوهش‌های علمی تدوین می‌شوند و به مرور زمان، با توجه به دگرگونی‌ها و پیشرفت‌های علمی تغییر می‌کنند. بنابراین، استانداردهای فعلی ممکن است در آینده تغییر کنند و به همین دلیل، استاندارد را به‌عنوان یک مفهوم پویا و متغیر می‌توان در نظر گرفت. استفاده از استانداردها در سازمان‌ها می‌تواند به فایده‌های بسیاری منجر شود؛ ساده‌سازی امور، امکان تعویض پذیری آن‌ها، افزایش ایمنی فعالیت‌ها و صرفه‌جویی در منابع انسانی و اقتصادی از جمله این فواید هستند.

استفاده از استانداردها می‌تواند به عنوان یک راه حل برای حل مشکلات و افزایش بهره‌وری استفاده شود. برای این منظور می‌توان به روش‌های زیر عمل کرد:

- ۱- ارائه روش‌های صحیح برای محاسبات فنی
 - ۲- تعیین قوانین و مشخصات عمومی و ویژگی‌های محصول (خروجی سیستم)
 - ۳- هماهنگ‌سازی و یک‌نواخت‌سازی
 - ۴- جلوگیری از اتلاف سرمایه و زمان و گردش صحیح اطلاعات
 - ۵- کاهش هزینه‌های قابل توجه با کاهش انواع و سازگاری آسان تولید انبوه محصولات.
- به طور کلی استاندارد کردن می‌تواند فواید زیر را به همراه داشته باشد.
- ۱- از نظر تولید کننده :
 - به کارگیری قواعد اصلی در فرایندهای ساخت.
 - کنترل بهتر فرایندها، مواد، منابع انسانی.
 - جلوگیری از اتلاف مواد و انرژی.
 - افزایش سرعت تولید.
 - سهولت برقراری ارتباط.
 - ۲- از نظر مصرف کننده :
 - اطمینان از کیفیت محصول
 - قابلیت تعویض پذیری
 - سهولت برقراری ارتباط
 - ۳- از نظر متخصصین
 - به کارگیری روشهای پذیرفته شده (با درجه اطمینان)
 - سهولت بهبود و توسعه محصولات و فرآیندها.
 - افزایش اطلاعات و دانش فنی در رابطه با خواص، امکانات و کاربرد مواد.
 - راهنمایی به منظور تحقیقات و برنامه های توسعه.
- برای به دست آوردن اهداف مشخصی که بر عهده نهاده شده است، نظام آموزشی هر جامعه ای دارد که به رعایت اصول استاندارد نیازمند است. اگر به طور استاندارد عمل نشود، البته کار انجام ناپذیر نیست، اما به دلایل منطقی، می‌توان ادعا کرد که کارایی

واقعی آن کاهش می‌یابد. همچنین، اگر فعالیتی با کیفیت استاندارد انجام نشود ولی تمام تلاش برای آن انجام شده باشد، کیفیت آن بسیار پایین‌تر از زمانی خواهد بود که به صورت استاندارد انجام شده باشد.

تضمین کیفیت و بهینه‌سازی در نظام آموزش و پرورش با استفاده از استانداردها به دست می‌آید. به‌طور مشخص، استانداردها به این منظور تدوین شده‌اند تا اطمینان حاصل شود که مطلوبیت موردنظر در حداکثر اثربخشی در دسترس است و عدول از آنها باعث از بین رفتن کارایی آنها می‌شود. استانداردسازی منابع انسانی و آموزش و پرورش با هدف بهبود کیفیت و بهره‌وری نظام آموزش و پرورش انجام می‌گیرد. بهره‌وری به مفهوم حداکثر رساندن عملکرد با حداقل هزینه است و می‌تواند در کاهش آسیب‌ها و مشکلات مختلف در بخش‌های مختلف آموزشی و پرورشی مؤثر باشد. به همین دلیل، استاندارد نمودن منابع انسانی، با فراهم کردن ارزیابی و آموزش مستمر در برنامه‌های مدیریت منابع انسانی، می‌تواند بهبود و اصلاح نظام آموزش و پرورش در کشورمان را تضمین کند. استانداردسازی آموزشی هم یک روند برای ایجاد و استفاده از قوانین و مقررات مناسب است، به منظور بهبود ترتیب و نظم در فعالیت‌ها با هدف دستیابی به کیفیت بالاتر. استفاده از استانداردها به عنوان ابزاری برای ارتباط و ایجاد پلی بین استاندارد و کیفیت قابل توجه است.

تاریخچه استاندارد در آموزش و پرورش

راهبردها و اقدامات اساسی در جهت تدوین استانداردهای آموزشی و تحصیلی را می‌توان به زمان انتشار کتاب ملت در معرض خطر در سال ۱۹۸۳ نسبت داد. در این کتاب آمده است که "بنیادهای تحصیلی در جامعه ما در حال حاضر بر اثر موج فزاینده‌ی میان‌مایگی که آینده‌ی ما را چه به عنوان یک ملت و چه به عنوان افراد معمولی تهدید می‌کند، فرسوده شده‌اند." این گزارش به دلیل آشکار کردن نقصان موجود در میزان آمادگی دانش‌آموزان ایالات متحده در حوزه‌ی ریاضیات و علوم، اهمیت و ارزش بسیاری داشت. از زمان انتشار این گزارش، برای تدوین استانداردها در حوزه‌های علمی-پژوهشی و همچنین در حوزه‌های حرفه‌ای مانند صنعت، اقدامات اساسی صورت گرفت.

در سال ۱۹۹۱، کمیسیون دستیابی به مهارت‌های لازم (اسکانز) گزارشی به نام "آنچه بازار کار مدارس می‌طلبد" منتشر کرد. این گزارش به عنوان مبنای گفت‌وگو درباره استانداردهای لازم برای اطمینان از آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به محیط کار شناخته شد. شورای علمی معلمان ریاضی (ان‌سی‌تی‌ام) نیز در عرصه‌های علمی-پژوهشی، نخستین مجموعه استانداردهای ملی مضامین ریاضی برای آموزش پیش‌دبستانی تا متوسطه را در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد. این استانداردها به نام "استانداردهای برنامه درسی و ارزشیابی ریاضیات مدارس" شناخته می‌شوند. علاوه بر این، شورای علمی معلمان ریاضی استانداردهای آموزشی دیگری نظیر استانداردهای حرفه‌ای برای تدریس ریاضی در سال ۱۹۹۱ و استانداردهای سنجش ریاضی مدارس در سال ۱۹۹۵ را نیز تدوین کرد. در انگلستان، آموزش و پرورش بسیار مهم و از اولویت‌های دولت است. این کشور تلاش می‌کند تا با افزایش استانداردهای آموزشی، از آموزش بهتری برای دانش‌آموزان و ارائه‌دهندگان خدمات آموزشی بهره‌مند شود. برای این منظور از سیاست‌هایی شامل بازنویسی کامل برنامه‌های آموزشی، توسعه فناوری در آموزش، افزایش حضور مربیان در آموزش و پرورش، تحقیق و توسعه در حوزه آموزش و پرورش و انجام ارزیابی‌های منظم برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش استفاده می‌کند. این سیاست‌ها به دلیل اهمیت استانداردهای آموزشی در کشورهای پیشرفته، به‌عنوان یکی از مهمترین سیاست‌های آموزشی انگلستان محسوب می‌شوند. از جمله مهمترین سیاست‌های آموزشی در این کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

- ۱- برای بهبود استانداردهای آموزشی، از طریق ایجاد یک سیستم آموزشی ملی، ارزیابی‌های تحصیلی، برگزاری امتحانات و نظارت بر عملکرد مدارس کشور تلاش خواهیم کرد.

۲- به انتشار اطلاعات جامع درباره عملکرد مدارس و مراکز آموزشی کشور اهمیت می‌دهیم.

۳- والدین دانش‌آموزان باید بیشتر در حوزه‌ی آموزش کودکان مشارکت کنند و به آنان قدرت اجرایی بیشتری اعطا می‌شود.

همچنین، به عنوان یکی از اختیارات اصلی وزارت آموزش و پرورش کشور، چهار فعالیت زیر بر عهده آن قرار دارد که استانداردهای آموزشی و تحصیلی را در بر می‌گیرند:

- ۱- تدوین خطمشی آموزش ملی و تعیین اهداف
- ۲- تعیین حداقل استانداردهای تحصیلی و نظارت بر کیفیت و بودجه آموزشی
- ۳- ارزیابی و برنامه‌ریزی تحصیلی
- ۴- حمایت از توسعه برنامه‌های آموزشی مدارس و مراکز علمی.

در سراسر جهان، سیاست‌های متفاوتی برای ساماندهی نظام آموزشی و فرآیند تحصیل وجود دارد، اما بیشتر کشورها تحصیل را به عنوان یک وسیله‌ی ارزشمند برای انتقال فرهنگ و مسائل اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند. در واقع، مهمترین هدف آموزش، تربیت فراگیران بر اساس فرهنگ و ارزش‌های جامعه‌ی هدف است. علاوه بر این، دانش‌آموزان به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند تسلسل فرهنگی، مسئول انتقال فرهنگ، دانش و اخلاق به نسل‌های بعدی هستند. برای اینکه این فرایندها به خوبی پیاده‌سازی شوند، وجود استانداردهای مشخص و دقیق ضروری به نظر می‌رسد.

استانداردسازی فرایندی است که تمامی جنبه‌های نظام آموزشی را از استخدام نیروی انسانی تا برگزاری و اعلام نتایج آخرین آزمون‌های دوره متوسطه و انتخاب مدیران مدارس و ... در بر می‌گیرد. این پدیده تنها مسائل آموزشی را شامل نمی‌شود، بلکه نظام آموزشی را وادار به رعایت استانداردها در قراردادهای خرید مواد و تجهیزات، نظارت بر کیفیت برون‌دادها، محتوای آموزشی و ... می‌کند. در نتیجه، به حساسیت به خرج داده و تلاش می‌کند تا آنها از حداقل مطلوبیت مورد انتظار برخوردار باشند. استفاده از استانداردها در آموزش و پرورش، نیازمند رعایت پیش‌نیازهایی است که در صورت توجه به آنها، ترویج و تحقق استانداردها بهتر امکان‌پذیر خواهد شد. این پیش‌نیازها شامل موارد زیر است:

۱. تعریف دقیق اهداف نظام آموزشی و نیازهای آن.
 ۲. شناسایی دقیق خواسته‌های ارباب رجوعان (جامعه) و راه‌های دستیابی به آنها.
 ۳. افزایش توان انطباق‌پذیری نظام آموزشی با توجه به تغییرات پیرامونی، همچون تحولات جهانی.
- نظام آموزش و پرورش، به عنوان یکی از بزرگترین سازمان‌های خدماتی، مسئولیت آموزش و پرورش گسترده‌ای از جامعه را بر عهده دارد. فعالیت آموزش و پرورش به معنای جامعه‌پذیری و اجتماعی‌سازی اعضای جدید جامعه است. در این فرآیند، مجموعه‌ای از اعتقادات، رسوم و اخلاق، هنجارها، ارزش‌ها، رفتارها، دانش‌ها، مهارت‌ها و فنون، به نسل جوان منتقل می‌شود. در این فعالیت، استانداردهای کیفی بازیابی می‌شوند و از طریق استانداردهای مشخص، خط سیر فعالیت‌ها به بهترین شکل شناسایی و هدفمند شده و به سوی دستیابی به اهداف متعالی نظام آموزش و پرورش هدایت می‌شوند. استانداردهای کیفی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین گام‌ها در افزایش اثربخشی و بهره‌وری این فعالیت، نقش مهمی در تعریف و تدوین آن دارند. در نتیجه، با تعریف و تدوین استانداردهای کیفی، اطمینان از خدمات ارائه شده، ارتقاء رضایتمندی مراجعین و افزایش بهره‌وری و کارایی منابع انسانی این نظام فراهم می‌شود.

اهداف کلی استانداردسازی

هدف‌های استاندارد سازی تغییر کرده‌اند، به دلیل پیشرفت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی که در جوامع مختلف رخ داده‌اند. در این رابطه، استاکو به شورای سازمان بین‌المللی استاندارد وابسته است و چهار هدف کلی در استاندارد سازی را معرفی نموده است:

- ۱- صرفه جویی کلی در مصرف منابع انسانی، مواد، انرژی و ...
- تحقق استانداردها با بهبود فرایندهای انجام امور و فعالیت‌های سازمانی، می‌تواند به جلوگیری از تلف منابع انسانی، مادی و انرژی کمک کند.
- ۲- حمایت از مصرف کننده (دریافت کننده‌ها)

استانداردها با معرفی حداقل مطلوبیت مناسب برای کالا و خدمات، منافع مصرف‌کنندگان یا دریافت‌کنندگان خدمات و کالا را حفظ می‌کنند.

۳- حفظ ایمنی، بهداشت، و محیط زیست.

استانداردها می‌توانند در حفظ ایمنی و بهداشت، به عنوان استانداردهای محصولات یا تجهیزات ایمنی، مواد غذایی و غیره و یا به عنوان استانداردهای آیینکار در مورد نحوه استفاده از زمان، مواد یا وسایل مختلف کمک کنند، به طوری که امنیت شغلی و حفظ محیط زیست بهتر رعایت شود.

۴- ایجاد ارتباط بهتر

استانداردها در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی به عنوان یک زبان مشترک جهت برقراری ارتباط مناسب محسوب می‌شوند. نظام آموزشی هر کشور، به دلیل بهره‌گیری از موقعیت‌های مناسب تر نسبت به نظام‌های دیگر، اهمیت بیشتری را در فرایند استاندارد سازی به خود اختصاص داده است.

اهداف استانداردسازی در آموزش و پرورش

یکی از اهداف استاندارد سازی نظام آموزشی، حفظ منافع جامعه است که شامل دریافت‌کنندگان خدمات از این نظام می‌شود. این هدف به وسیله تامین حداقل کیفیت مطلوب خدمات آموزشی به گونه‌ای که با نیازها منطبق باشد و تحت نظارت و کنترل قرار داشته باشند، دنبال می‌شود. هدف دیگر، صرفه جویی در بهره‌گیری از منابع انسانی، انرژی، مواد مصرفی و دیگر منابع است. هدف سوم ایجاد سادگی در روش‌ها و شیوه‌های انجام فعالیت‌های آموزشی و فعالیت‌های دیگری مانند اداری و ... است. هدف چهارم، فراهم کردن وسیله‌ای جهت بیان مقاصد و تبادل افکار میان طرفین ذی نفع در هر فعالیتی که تحت فرآیند استاندارد سازی قرار می‌گیرد، می‌باشد. هدف پنجم، ایجاد حداکثر یکنواختی در به ثمر رساندن و بهینه سازی شرایط دستیابی به آموزش مناسب می‌باشد. در بسیاری از موارد، نقش استانداردها در جامعه‌ها به عنوان راهنمایی برای ارتقای فعالیت‌ها و بهبود عملکرد سازمانی بسیار مهم است. با این حال، برخی از مردم و گروه‌ها با تردیدی در قبال استفاده از استانداردها هستند. برای نمونه، برخی افراد معتقدند استفاده از استانداردها، راه پیشرفت را بسته و محدود می‌کند. این نگرش اشتباه است زیرا استانداردها هدف مشخصی را برای ارائه یک سطح کیفیت و کارایی بالا دارند و می‌توانند قابلیت تغییر داشته باشند. برای همین، استانداردها نه تنها مسیر پیشرفت را بسته نمی‌کنند، بلکه به ارائه و مشخص کردن مراحل مسیر پیشرفت کمک می‌کنند. در موارد دیگر، تدوین استانداردها و رعایت آنها برای به دست آوردن عملکرد موفق در سازمان‌ها امری ضروری است. به دلیل اختلاف سلیقه و نظرات، ایجاد اصول و مقررات استاندارد می‌تواند از انحراف از راه حل‌های بهینه جلوگیری کند و به عملکرد صحیح و موثر کمک کند. برای رسیدن به اهدافی که از آنها نام برده شده و با توجه به محدودیت‌هایی که بر سر راه استانداردسازی، به ویژه در آموزش و پرورش وجود دارد، بسترسازی فرهنگی، روش بهتر و اساسی‌تری برای زمینه‌سازی در جامعه هست. زیرا برای تضمین نیل به تمامی اهداف فوق، فرهنگ‌سازی مناسب و متناسب باید انجام شود. این فرهنگ‌سازی با برنامه‌ریزی علمی و مناسب در زمینه نظارت و کنترل بر امر کیفیت انواع فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های آموزشی، می‌تواند حقوق جامعه در برابر نظام آموزشی را تضمین کند. در حال حاضر باید پذیرفت که نظام آموزشی تاکنون برای برآورده شدن وظایف و مسئولیت‌های سنگینی که برای آن تعیین شده، قادر به عملکرد درست نبوده است. در حالی که حدود یک میلیون و ۶۵ هزار نفر از نیروهای شاغل در دولت تحت عنوان های آموزشی و ستادی در این وزارتخانه مشغول به کار هستند و بیش از ۱۶ درصد از کل بودجه جاری دولت به بودجه جاری آموزش و پرورش اختصاص داده شده است، هرچند که چندبار شاهد اجرای طرح‌های مختلفی هستیم، اما این طرح‌ها نتوانسته‌اند کارکرد صحیحی داشته باشند و حتی بعضی از آنها بار بیشتری به نظام آموزشی اعمال کرده‌اند. تکرار چنین اتفاقاتی سبب شده که نوعی عدم اعتماد جامعه نسبت به نظام آموزشی بوجود آید.

استانداردها

با توجه به وجود دیدگاه‌های مختلف درباره استفاده از استانداردها، انواع مختلفی از آنها در تقسیم‌بندی‌های متفاوتی شناخته شده‌اند. بررسی تاریخی استانداردهای آموزشی و تحصیلی نشان می‌دهد که اولین گروه استانداردهایی که در این حوزه تدوین شدند، استانداردهای رفتاری بودند. این استانداردها بر اساس نظریه‌ای تدوین شدند که بر اساس آن دانش‌آموزان باید مطابق با یک استاندارد مشخص رفتار کنند و برای تحصیل، به دانش‌آموزان نشان داده می‌شد که باید با رعایت شیوه و استاندارد مشخصی عمل کنند. گروه دیگری از استانداردهای آموزشی، استانداردهای محتوا هستند. در این نوع استانداردها، فلسفه آموزشی "بازگویی دانش" پیش‌برد شده است و بیشترین رواج را داشته است. در این نگرش، دانش‌آموز مانند یک صفحه پاک است که معلم می‌تواند دانش مناسب را بر روی آن بنویسد. هدف این نوع آموزش، انتقال دانش از معلم (یا متن درسی) به دانش‌آموز است و توانایی پاسخ به سؤالات خاص، شرط اصلی برای تحصیل دانش‌آموزان است. استانداردهای شناختی یک گروه دیگر از استانداردهای آموزشی و تحصیلی هستند که از یک فلسفه پیروی می‌کنند که معتقدند دانش‌آموز خودش با راهنمایی و تربیت معلم، دانش را بوجود می‌آورد. این رویکرد به دانش‌آموز این امکان را می‌دهد که بستری مناسب برای درک و به دست آوردن دانش جدید فراهم کند و به نحوی مطمئن از آن برای خود بهره‌بردار. هرچند که استانداردهای آموزشی بیشتر در مورد مباحثی چون سنجش و ارزیابی مطرح شده و به کار رفته‌اند، بحث‌هایی مانند برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در این حوزه به کمترین حد بررسی شده‌اند. اما برای استانداردها، تقسیم‌بندی کلی تری نیز وجود دارد

۱- استانداردهای طبیعی: این نوع استانداردها به تاثیرات قوانین طبیعت بر روی طرح‌ها و روش‌ها اشاره می‌کنند. در این نوع استانداردها، استفاده از قوانین علمی طبیعی در فرایند تولید محصولات و افزایش بهره‌وری، با توجه به جنبه‌های علمی فعالیت‌ها، به معنی بهره‌گیری از قوانین علمی طبیعی است. استفاده مؤثر از این قوانین علمی، عرضه کیفی محصولات را که در گذشته در این سطح از مهارت برایمان قابل تصور نبود، قادر ساخته و توسعه کاربرد دانش قوانین علوم طبیعی پایه‌گذاری محصولات جدید را به این موضوع بستگی داده است.

۲- استانداردهایی که به منظور خاصی برقرار می‌شوند: به غیر از استانداردهای طبیعی، استانداردهای دیگری نیز وجود دارند که جهت ایجاد توافق و برقراری اهداف مشخص در هنگام مناسبت‌های اجتماعی یا تجاری بکار می‌روند. این نوع استانداردها برای ایجاد بیشترین رضایت و اطمینان در انجام امور بکار می‌روند و به وسیله نهادهایی نظیر حکومت‌ها، صنایع و سازمان‌ها (آموزشی و ...) تعیین می‌شوند. در این نوع استانداردها، مانند استانداردهای طبیعی، هیچ چیز حتمی وجود ندارد. برای مثال، سازمان‌های آموزشی در کشورهای مختلف می‌توانند دوره‌های آموزشی را با مدت زمان مختلفی برای فراگیران تعریف کنند. برخی از این دوره‌ها، مقطع ابتدایی با پنج سال تحصیل تعریف می‌شوند و در برخی دیگر، به شش سال افزایش می‌یابد. ارکان استاندارد سازی در آموزش و پرورش:

استانداردسازی یک پدیده مشخص برای یک زمان و مکان خاص نیست. روش‌های استانداردسازی در برخی موارد تطبیقی هستند، به این معنا که نتیجه آن‌ها متفاوت با کشورهای مختلف است، اما در موارد دیگر، استانداردها تدوینی هستند، یعنی با استفاده از چهار مرحله‌ی اساسی، از جمله تحقیق و توسعه، تدوین استاندارد، اجرا و ترویج استاندارد، برای کیفیت بهتر آموزشی و پرورشی بلندمدت استفاده می‌شوند. برای دستیابی به چنین کیفیتی، فرایند استانداردسازی باید تکاملی باشد و همواره در حال پیشرفت باشد.

۱- تحقیق و توسعه

فرآیند استانداردسازی آموزشی به همراه تحقیق و توسعه دانش و مبانی آن ابعاد واقعی و مهمی را در بر دارد. بررسی فلسفه استانداردسازی و ارزیابی عوامل مختلف مانند تئوری‌ها، تجربیات، اصول و روش‌ها به همراه ترویج آن در جامعه، زمینه‌های لازم را

برای فعالیت در حوزه استانداردسازی در آموزش و پرورش فراهم می‌کند. به بیان دیگر، تحقیق و توسعه تئوری‌های این فرآیند در جامعه، باعث پذیرش همگانی آن و در نتیجه، ارزشمند بودن آن به عنوان یک امر ضروری می‌گردد

۲- تدوین استاندارد

اگر چه تا کنون در جوامع مختلف، تدوین استانداردهای فیزیکی و مصنوعات دست‌ساز انسانی رواج داشته است، ولی واقعیت آن است که هر آنچه در حیطه‌ی نظر و عمل انسان قرار می‌گیرد، از قابلیت استانداردسازی برخوردار است. درک این مسئله زمانی آسان‌تر می‌شود که بدانیم در نظام فرهنگی و دینی مان نیز استانداردهایی برای مسائل معنوی مطرح شده است. به عنوان مثال، در قرآن کریم چندین خصوصیت برای انسان مؤمن در نظر گرفته شده است که بوسیله آنها حد استاندارد (حداقل مطلوبیت مورد نیاز) یک انسان مؤمن مشخص می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که تمام ابعاد نظام آموزشی از تجهیزات و امکانات آموزشی، فضای آموزشی، روش‌های تدریس، روش‌های ارزیابی، میزان یادگیری، چگونگی ارزیابی کارکنان و آموزگاران، رفاه آنها، میزان حقوق و دستمزد، نحوه بکارگیری علاقمندان به استخدام و... همه و همه جزء حیطه فعالیت‌های استانداردسازی نظام آموزشی قرار می‌گیرد.

فضای استانداردسازی در آموزش و پرورش

سطوح استاندارد در آموزش و پرورش

این روزها استانداردهای آموزشی به پنج سطح کلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

الف) استانداردهای مدرسه‌ای (آموزشگاهی) که توسط مسئولین آموزشگاه‌ها برای استفاده در همان محیط تدوین می‌شوند. برای مثال، در یک آموزشگاه، استاندارد قرار داده شده که دبیران هر ماه باید نمره‌ی از عملکرد درسی دانش‌آموزان را به والدین ارائه دهند.

ب) استانداردهای منطقه‌ای که براساس ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خاص هر منطقه تدوین می‌شوند.

ج) استانداردهای ملی که توسط ادارات یا سازمان‌های مسئول تدوین استاندارد در نظام آموزشی یک کشور تدوین می‌شوند. این استانداردها بر اساس خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و سیاسی خاص هر کشور تدوین می‌گردند.

د) استانداردهای بین‌المللی که به منظور هماهنگ‌سازی جوامع مختلف با تحولات گوناگون اجتماعی، علمی و فرهنگی در سطح بین‌المللی تدوین می‌شوند. این استانداردها برای تأمین پذیرش جامعه‌های دیگر در محیط بین‌المللی تدوین می‌گردند.

ابعاد استاندارد سازی در آموزش و پرورش

برای اینکه استانداردها از جامعیت لازم برخوردار شوند و توسط اکثریت پذیرفته شوند و در عین حال دوام بیشتری داشته باشند، باید در تدوینشان به ابعاد مختلفی که خاص یک جامعه است توجه شود، شامل بعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی. اگر در تدوین استانداردها به این ابعاد توجه نشود، اجزای آنها با مقاومت‌هایی روبه‌رو خواهند شد که دوام آنها را کاسته و اجرایشان را با تزلزل همراه خواهد کرد.

جنبه‌های استانداردسازی در آموزش و پرورش

در نظام آموزشی، استانداردهای مختلف در جوانب مختلف مورد تدوین قرار می‌گیرند. بخشی از این استانداردها، به محتوای آموزشی مرتبط می‌شوند و بخش دیگر به فرآیندهای گوناگونی که در این نظام اجرا می‌شوند، توجه دارند. به عنوان مثال، فرآیند آموزش باید از حداقل مطلوبیت‌های لازم برخوردار باشد و فرآیند به کارگیری منابع انسانی و... نیز در بین این فرآیندها قرار می‌گیرد. همچنین، بخشی از استانداردهای نظام آموزشی مرتبط با ساختار است، از جمله ساختار فیزیکی نظام آموزشی که شامل مجموعه‌ای از فضاهای فیزیکی است. در نهایت، بخش مهمی از استانداردهای نظام آموزشی مربوط به منابع انسانی است؛ زیرا منابع

انسانی در هر سازمان، به عنوان مهمترین عامل در موفقیت یا شکست آن سازمان محسوب می‌شود. بنابراین، استانداردهایی که برای این بخش تدوین می‌شوند، اهمیت بسیاری دارند. استانداردهای منابع انسانی، نه تنها محیطی مناسب برای استخدام و به کارگیری بهترین افراد را فراهم می‌کنند، بلکه از طریق ارائه و معرفی چارچوب‌هایی برای عملکرد اثربخش، فرآیندهای آموزشی این نظام را تسهیل می‌کنند.

۳- اجرای استاندارد

اجرای استانداردها در آموزش و پرورش در فرآیند استاندارد سازی بسیار حائز اهمیت است. اگر استانداردهای تدوین شده به درستی اجرا شوند، می‌توانند تضمین کننده دستیابی به اهداف استاندارد سازی آموزشی باشند. اجرای استانداردها به دو صورت اجباری و تشویقی می‌تواند انجام شود. صورت اجرای استانداردها به صورت اجباری، گروهی از استانداردهایی هستند که باید به کار برده شوند و نادیده گرفتن یا عدم رعایت آنها می‌تواند منجر به وقوع زیان‌های بسیاری شود. به عنوان مثال، استانداردهای هزینه‌های آموزشی یکی از استانداردهایی هستند که رعایت آنها بسیار حائز اهمیت است و نادیده گرفتن آنها می‌تواند به کیفیت فرآیندهای آموزشی آسیب بزند. از آنجا که معلمان به عنوان اعضای اصلی نظام آموزشی محسوب می‌شوند، بنابراین عدم داشتن حقوق کافی و امکانات مساعد زندگی می‌تواند منجر به کاهش کیفیت کار آنها و کاهش جذابیت نظام آموزشی در ذهن اولیاء و دانش‌آموزان شود. صورت اجرای استانداردها به صورت تشویقی، ایده دیگری برای به اجرای درآوردن استانداردها است که در آن، رقابت بین تولیدکنندگان و ارائه دهندگان محصولات و خدمات ایجاد می‌شود. استانداردها به دلیل خاصیت اطمینان بخشی، می‌توانند به شکلی رقابتی بین تولیدکنندگان به کار رود. به عنوان مثال، معلمانی که بکارگیری آنها به نوع عملکرد سال‌های گذشته ارتباط دارد، می‌توانند برای جذب بهتر در مدارس و از دست ندهی توسط مراکز آموزشی، سعی کنند از استانداردهای رفتاری و عملکردی بهتری نسبت به دیگر همکارانشان بهره ببرند

۴- ترویج استاندارد

ترویج استانداردها شامل تمام روش‌هایی است که می‌توان از آنها به عنوان برنامه‌های مداوم استفاده کرد تا جامعه با فواید استانداردسازی آشنا شود. دقیق‌تر بگوییم، ترویج استانداردها هر فعالیتی است که از طریق آن، جامعه با هدف حفظ منافع با اجرای استانداردها آشنا شود. برای رسیدن به این هدف، روشهای گوناگونی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- آموزش ۲- مشاوره ۳- بازخور داده‌ها ۴- فراهم آوردن زمینه‌های اطلاع‌رسانی.

اثر استاندارد های آموزشی بر فرهنگ و توسعه فرهنگی

استفاده از استانداردها در آموزش و پرورش، با شیوه‌های مختلف، به جامعه نفع می‌رساند. استفاده از ضوابط و مقررات به عنوان فرایند تدوین استانداردها، باعث بهبود کیفیت فرایندهای آموزشی و افزایش بهره‌وری به جامعه می‌شود. این استانداردها توسط خرده سیستم‌های نظام آموزشی تأثیر مثبتی را به همراه دارند و چنانچه در جامعه پذیرفته شده و تمام افراد آن را رعایت کنند، به نفع جامعه خواهد بود. با پذیرش همگانی استانداردهای آموزشی، فرهنگ انتخاب صحیح در جامعه تثبیت می‌شود و نظام آموزشی نیز به دنبال بالا بردن کیفیت فرایندهای مختلف خود خواهد بود. به طور کلی، رعایت استانداردها و پذیرش آنها در ارائه خدمات و کالاها، باعث افزایش اعتماد گروه‌های مختلف اجتماعی به یکدیگر می‌شود و در سایه اعتماد به همدیگر، جامعه در مسیر توسعه فرهنگی قرار می‌گیرد. استانداردها، نه تنها در بعد آموزشی جامعه، بلکه در ابعاد فرهنگی نیز تأثیر گذار هستند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، داشتن نظم و انضباط، سیستماتیک بودن و داشتن کیفیت مناسب از ویژگی‌های اساسی استاندارد است. استانداردها، بر اساس قوانین و مقرراتی طراحی شده‌اند که هدف آنها ایجاد خدمات با کیفیت بهتر و بهبود بهره‌وری در راستای خدمت‌رسانی به جامعه است. رعایت اصول استاندارد در انجام فعالیت‌ها از هرگونه خطا و کاستی در فرآیندها جلوگیری کرده و همراه با یافته‌های جدید که ناشی از تحقیقات علمی است، پویایی خود را به دست می‌آورد. با توجه به ویژگی‌های فوق،

نقش استانداردهای آموزشی در توسعه فرهنگی را می‌توان در دو حیطة مورد بررسی قرار داد. اولین حیطة، رعایت معیارهای استاندارد در آموزش و پرورش و اشاعه آن در جامعه است که باعث بوجود آمدن خرده‌فرهنگ مشخصی در میان قشرهای مختلف اجتماعی می‌شود. این خرده‌فرهنگ می‌تواند باعث شود تا همه اقشار اجتماعی با توجه به آگاهی‌هایی که از مزایای خدمات آموزشی استاندارد شده به دست می‌آورند، خواهان استفاده از این نوع خدمات باشند و به رفع نیازهای آموزشی و علمی خود با رعایت استانداردها توجه نمایند. در نتیجه، استانداردبودن به تدریج به صورت یک خرده‌فرهنگ در جامعه ظاهر می‌شود و اشاعه پیدا می‌کند. اگر این خرده‌فرهنگ در جامعه فراگیر شود و همه قشرها و گروه‌های اجتماعی را در برگیرد، دارای فواید و کارکردهای مطلوبی خواهد بود که از جمله آن‌ها افزایش اعتماد روانی نسبت به نظام آموزشی در جامعه است. به علاوه، استانداردهای آموزشی می‌توانند در سطوح خرده فرهنگی جامعه تأثیر پذیرند و همچنین در سطوح کلان نیز اثرات مثبتی داشته باشند. این پدیده به دلیل ویژگی‌هایی که داراست، به خصوص پویایی و تحول‌پذیری در فرآیند زمان، الگوها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین می‌تواند شکل‌گیری نسلی را ممکن سازد که از فرهنگ عمومی بالا برخوردار باشند. قانونمندی، سیستماتیک بودن و داشتن سلسله مراتب تکاملی که در استانداردها نهفته است، بر فرهنگ عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد و فرآیند فرهنگ‌پذیری افراد جامعه را متأثر می‌سازد. برای اینکه اثرات پدیده استاندارد بر روی فرهنگ عمومی جامعه روشن شود، باید به طور مداوم در فرآیند فرهنگ‌پذیری از خانواده، مدرسه و نهادهای بزرگتر به استانداردها توجه شود و آموزش داده شود. این امر در افراد جامعه درونی می‌شود و آن‌ها در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، به آن توجه می‌کنند. به این ترتیب، استانداردها به عناصر و ارزش‌های فرهنگی جامعه تبدیل می‌شوند و خود به هنجارهایی تبدیل می‌شوند که رعایت آنها موجب پویایی فرهنگ جامعه می‌شود. حتی می‌توان ادعا کرد که عناصر و گرایش‌های فرهنگی از اصول و قوانین کلی استانداردها پیروی می‌کنند.

راههای ترویج و توسعه استاندارد در جامعه

با توجه به اینکه بهبود مادی و معنوی اجتماع انسانی یکی از اصول بنیادی و مهم زندگی مردم است و همچنین یکی از نیازهای اساسی فرآیند پیشرفت در تمام جوامع جهان است، هر یک از شاخص‌ها و عوامل مؤثر در توسعه انسانی، به‌طور مستقل در این توسعه و تحول شرکت می‌کنند. یکی از مؤلفه‌های مهم در ایجاد توسعه استانداردها است؛ به علت تعامل زیادی که با دیگر بعدهای جامعه دارد و این‌که یک عوامل پویا، استراتژیک و رشدزا محسوب می‌شود، اهمیت بسیاری دارد. ترویج استاندارد شامل تمامی روش‌هایی است که می‌توانند با برنامه‌ریزی مداوم و آگاهی جامعه از لزوم و فواید استاندارد سازی، به افزایش آگاهی این مسئله کمک کنند. توسعه استاندارد یک فرایند مداوم و نسبی است که کیفیت خدمات را به‌طور مداوم تحت کنترل قرار می‌دهد. در این روند پویا، به دلیل تعامل زیادی که بین استاندارد و دیگر بعدهای جامعه وجود دارد، جامعه نیز در حال تحول است و از حرکت پویایی برخوردار می‌شود.

توسعه و گسترش استاندارد در جامعه را می‌توان در دو سطح کلان و خرد مورد بررسی قرار داد :

الف) راهکارهای سطح کلان

تلاش ما برای بهبود اجتماعی کشور برای تحقق چند هدف اساسی است: انعطاف سیاسی و اصلاح رابطه بین مردم و دولت، تغییر ساختار نظام اداری و اجتماعی با تمرکز بر عدالت و قانون‌گرایی، مبارزه با فساد، تبعیض و بی‌عدالتی و جایگزینی آن با ارزش‌های خانواده‌محوری، تحقق بالاترین سطح درآمد در جامعه با تأکید بر استانداردهای ملی و بین‌المللی، و ارتقای سطح دانش و آموزش با تأکید بر آموزش‌های غیررسمی، عمومی و فراگیر و رعایت ارزش‌هایی چون دانش‌آموزی برای به کارگیری و بهبود زندگی مشترک.

ب) راهکارهای سطح خرد

جهت توسعه استانداردها، لازم است به همه ارائه دهندگان و دریافت کنندگان خدمات توجه ویژه‌ای شود. برای رسیدن به هدف نهایی که پذیرش کامل استانداردها است، هر دوی این گروه‌ها باید فعالیت کنند و همکاری لازم را انجام دهند. با تلاش همه، این فرایند باید به سرعت و در زمان کوتاهی به اتمام برسد.

روشهای ترویج استاندارد

در ترویج فرهنگ استاندارد و استاندارد سازی، جوامع مختلف از روش‌های گوناگونی استفاده می‌کنند.

- این روش‌ها به دلیل ویژگی‌های متفاوت جوامع، متناسب با آن‌ها هستند.

- اثربخشی این روش‌ها بر فرهنگ هر جامعه متفاوت است.

- در اغلب جوامع، چهار روش اصلی در ترویج فرهنگ استاندارد و استاندارد سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. الف) آموزش: برای ترویج استانداردها در جامعه، روش آموزش می‌تواند بهترین راه باشد. آگاهی جامعه در مورد فواید استفاده از استانداردها افزایش می‌یابد و آموزش مستقیم می‌تواند به سریعی زمینه فرهنگی مساعدی را برای استفاده از استانداردها فراهم کند. روش آموزش به دلیل اهمیت بالایی که دارد، در بخش بعدی به صورت جامع‌تر تشریح خواهد شد.

ب) مشاوره: هدف از مشاوره، انتقال صحیح و مناسب فنون مرتبط با استاندارد کردن در حالت‌های خاص و مورد نیاز است. مثلاً در سطوح پایین مانند استانداردهای شرکتی و یا سازمانی می‌توان از این روش بهره گرفت.

ج) بازخوردها: بازخورد اطلاعات به ویژه به صورت داده‌های جمع‌آوری شده از پیشرفت تکنولوژی، که در پی تحقیقات و تجربیات حاصل از به کارگیری عملی استانداردها در سازمان‌های مرتبط در زمینه‌ها و سطوح مختلف در ارتباط با فعالیت‌های آموزش و غیره بدست می‌آید، از نکات مهم و اساسی در افزایش بازدهی و کارایی سیستم استاندارد کردن است. برای سیستم استاندارد سازی، تشکیلات و ساختار مناسب همراه شرح وظایف و مسئولیت‌های مدون و سیستم ارزیابی مناسب نیز باید در نظر گرفته شود.

د) اطلاع‌رسانی مناسب: زمینه‌سازی مناسب برای اجرای فعالیت‌های استاندارد سازی، مستلزم فعالیت‌های اطلاع‌رسانی مناسب و به موقع نیز است. جمع‌آوری اطلاعات، مقایسه و تطبیق، تحلیل، مستند سازی، ذخیره‌سازی، اصلاح و انتشار اطلاعات و امثال آن از جنبه‌های مهمی است که می‌تواند مورد توجه فعالیت اطلاع‌رسانی قرار گیرد.

اثر آموزش بر توسعه استانداردهای آموزشی

آموزش، فرآیندی جامع و همگانی است که به تعالی فرد و جامعه و بالندگی فرهنگ کمک می‌کند. این عمل، علاوه بر توسعه‌ی فرهنگ، به ترقی و ترویج آن نیز کمک می‌کند. بنابراین، آموزش مهمترین ابزار برای بسط و توسعه‌ی فرهنگ است، با اینکه برای گسترش فرهنگ استاندارد، انتشار و ارتقا آن، آموزش عمومی مورد نیاز است. اگر به فرهنگ استاندارد در جامعه به‌عنوان یک طرحواره یا شبکه‌ی ذهنی نگریسته شود، این فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد و به مجموعه‌ای از دانش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مناسب و مورد نیاز جهت توسعه‌ی جامعه‌ی توسعه‌یافته تبدیل می‌شود. برنامه‌ی آموزشی برای ترویج، توسعه و تثبیت این فرهنگ با اهمیت بالایی همراه است و باید در سطح کلان صورت بگیرد.

برای توسعه و ترویج فرهنگ استانداردهای آموزشی از طریق آموزش عمومی، نیاز به یک برنامه ریزی آموزشی وجود دارد. این برنامه ریزی می‌تواند از مراحل زیر تشکیل شده باشد:

برای توسعه و ترویج فرهنگ استانداردهای آموزشی از طریق آموزش عمومی، برنامه‌ریزی آموزشی لازم است. این برنامه‌ریزی می‌تواند از مراحل زیر تشکیل شده باشد:

مرحله یک: روشن کردن اهداف:

هدف‌ها در سه حیطة یادگیری شامل حیطة شناختی، عاطفی یا نگرشی و کاربردی مورد بررسی قرار گیرند.

الف) حیطة شناختی:

- ارتقای سطح دانش مردم (آگاهی‌بخشی) در زمینه مفهوم استاندارد
- معرفی استانداردهای آموزشی در سطح ملی و بین‌المللی
- آشنایی با حقوق دریافت‌کنندگان خدمات استاندارد و چگونگی احقاق آن که می‌تواند به عنوان نقطه آغازین مشارکت در فرهنگ استانداردهای آموزشی یادکرد.
- (ب) حیطة عاطفی یا نگرشی:
- ارتقای سطح نگرش عمومی مردم (حساس‌سازی) در زمینه اطمینان و اعتماد به آموزش منطبق با استاندارد
- توجه به مراکز تدوین‌کننده استانداردهای آموزشی به عنوان حامی حقوق مردم
- اعتماد به سیاست‌ها و حفظ خط مشی‌ها و برنامه‌های اجرایی این مراکز و مشارکت در آن‌ها.
- (ج) حیطة کاربردی:
- ارتقای سطح رفتاری مردم (عملکرد مناسب) در زمینه علاقه‌نشان دادن به نظام آموزشی استاندارد شده و انتظار ارائه خدمات استاندارد بهتر
- ارائه بازخورد به مراکز متولی استاندارد در آموزش و پرورش در زمینه کیفیت خدمات استاندارد
- پیگیری سیستم شکایات در صورت مشاهده اشکال در خدمات استاندارد شده و پیگیری برای احقاق حقوق خود به عنوان بهره‌گیران اصلی خدمات آموزشی.
- مرحله دوم: بررسی وضعیت موجود، از طریق جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات علمی پیرامون شاخص‌هایی مانند نسبت دانش‌آموز به معلم، و مقایسه با شاخص‌های مشابه در کشورهای توسعه‌یافته.
- مرحله سوم: بررسی راه حل و استراتژی‌های مختلف، با استفاده از روش‌های آموزشی و رسانه‌ها، امکانات و ابزار موجود برای ارتقاء آگاهی و حساس‌سازی مردم نسبت به استاندارد.
- مرحله چهارم: انتخاب یک راه‌حل اجرایی و ارزیابی، با توجه به اثربخشی بیشتر، زمان و هزینه کمتر و مشمول بیشتر برآورد‌ها. در این فرایند ابتدا باید شناخت و نگرش جامعه بهبود یابد تا رفتار مورد انتظار رشد پیدا کند.
- در نهایت، با ایجاد یک فرهنگی مثبت درباره استانداردها و خدمات با کیفیت، افراد می‌توانند از خدمات استاندارد و باکیفیت بهره‌مند شوند و نیازی به کنترل و بازرسی مرکزی نخواهد بود. استفاده از آموزش مداوم می‌تواند به تحقق اهداف مطلوب برای بهبود کیفیت خدمات کمک کند.
- انواع آموزش در توسعه استانداردهای آموزشی
- برای توسعه و ترویج فرهنگ استاندارد از طریق آموزش، ابتدا باید با آموزش‌های موجود آشنا شد. به طور کلی آموزش را می‌توان در دو نوع تقسیم بندی نمود که عبارتند از:
- ۱- آموزش‌های رسمی
 - ۲- آموزش‌های غیر رسمی
- نقش آموزش رسمی
- توسعه و ترویج فرهنگ استاندارد از طریق آموزش، نیازمند آشنایی با انواع آموزش‌های مختلف است. به طور کلی، آموزش‌ها را می‌توان به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم کرد.
- ۱- آموزش‌های رسمی: این نوع آموزش در قالب آموزش‌های کاملاً رسمی مانند نظام آموزش و پرورش و نظام عالی و آموزش‌های نیمه رسمی مانند آموزش ضمن خدمت کارکنان تقسیم می‌شوند.
- نقش آموزش رسمی در توسعه استاندارد: برای ترویج فرهنگ استاندارد در نظام آموزش و پرورش، استاندارد باید در بخش‌های مختلف آن حضور اثربخش داشته باشد. برای مثال، استانداردسازی برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، نظام تربیت معلم و جذب

نیروی انسانی، محتوای آموزشی مانند کتب درسی، فضای آموزشی و پرورشی، امکانات آموزشی و تفریحی، روش‌های آموزشی و پرورشی، سیستم ارزشیابی و...

- فعالیت‌های آموزش رسمی: فعالیت‌های آموزشی رسمی شامل کتب درسی، ارتقاء سطح آگاهی و نگرش معلمان به استاندارد، استانداردسازی روش‌ها و فنون تدریس، آموزش مناسب و متناسب با نظام تعلیماتی، حساس‌سازی نسبت به استفاده از خدمات و کالاهای استاندارد است.

- فعالیت‌های فوق‌برنامه: فعالیت‌های دانش‌آموزان به صورت داوطلبانه در زمینه‌های علمی-فرهنگی و پرورشی-هنری، مانند برپایی مسابقات، بازدید از مراکز متولی استاندارد، حساس‌سازی نسبت به استفاده از کالا و خدمات استاندارد، نیز از اهمیت برخوردارند.

۲- آموزش‌های غیررسمی: این نوع آموزش شامل اموری مانند کلاس‌های آموزشی خصوصی، آموزش به صورت غیررسمی توسط نهادهای مردمی و خیریه، آموزش به صورت انفرادی و آموزش از طریق رسانه‌های جمعی مانند اینترنت و تلویزیون است. برای توسعه و ترویج فرهنگ استاندارد، همه این انواع آموزش‌ها باید با هم ترکیب شوند و به نحوی سامان‌دهی شوند تا همه بهره‌مندی لازم را داشته باشند.

نقش آموزش غیر رسمی

برای نفوذ و تبلیغ فرهنگ استاندارد، می‌توان از رسانه‌ها، متنوعاً مطبوعات، صدا و سیما و مراکز عمومی استفاده کرد. از فعالیت‌های قابل انجام برای این منظور، معرفی مراکز استاندارد سازی و استانداردهای بین‌المللی، ارائه مقالات علمی و آموزشی در مورد فواید استاندارد، برقراری ارتباط متقابل مراکز استاندارد با مردم در جمع‌آوری و انعکاس نظرات و پیشنهادات، آگاهی بخشی و حساس سازی عمومی به حقوق طبیعی و قانونی در دریافت خدمات با کیفیت، ارائه آمار و ارقام از مضرات خدمات غیر استاندارد، ارائه هشدارهای آموزشی در زمینه‌های زمان و نحوه استفاده از خدمات استاندارد، معرفی فرایند دستیابی به حد مطلوب خدمات (استاندارد)، ساخت سمبل‌هایی درباره استانداردها با اشعار و سرودهای متناسب با اهداف نظام تعلیم و تربیت، نمایش نتایج حاصل از به کارگیری استانداردهای آموزشی، پیام‌های ترویج استاندارد در مراکز عمومی، معرفی زبان‌ها و خطرات ناشی از بهره‌گیری از خدمات غیراستاندارد، ممانعت از ارائه خدمات غیر استاندارد توسط مراکز و موسسات ارائه دهنده خدمات آموزشی و معرفی آخرین تغییرات استانداردها با پیشرفت‌های داخل و خارج کشور است.

مزایای استاندارد سازی آموزشی نظام آموزشی کشور

استانداردهای آموزشی نظام آموزشی کشور برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش و به دست آوردن درجه‌ای از یکنواختی در فرآیند آموزش و پرورش راهبردی مهم است. در ادامه به برخی از مزایای استفاده از استانداردهای آموزشی در نظام آموزشی کشور اشاره می‌شود:

۱. ارتقای کیفیت آموزش و پرورش: استفاده از استانداردهای آموزشی به مدیران و معلمان کمک می‌کند تا رویکردهای اصولی در آموزش و پرورش را شناسایی و رایج کنند و همچنین، روش‌های برتر آموزشی را شناسایی و اجرا کنند.
۲. کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای: اجرای یک سری استانداردهای آموزشی یکنواخت و استفاده از فرآیندهایی مشابه در آموزش و پرورش تفاوت‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد و اجرای یکنواخت آن‌ها را برای برابری فرصت‌های آموزشی به کار می‌برد.
۳. افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان: استفاده از استانداردهای آموزشی به دانش‌آموزان احساس بهتری از موفقیت خود می‌دهد و ایجاد اعتماد به نفس در آن‌ها را دو روند مهم در آموزش و پرورش به شمار می‌رود.
۴. تسهیل برنامه‌ریزی آموزشی: استفاده از استانداردهای آموزشی، کمک به مدارس می‌نماید تا برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان خود برنامه‌ریزی علمی بهتری را پیش از آغاز ترم انجام دهند و برنامه‌های آموزشی مطابق با استانداردها تدوین کنند.
۵. بهبود ارتباط بین مدیران و معلمان: استفاده از استانداردهای آموزشی با هماهنگی افراد و بهبود ارتباطات بین مدیران و معلمان در آموزش و پرورش کمک می‌کند و جمع‌بندی‌کننده فرآیندهای واحدهای آموزشی می‌گردد.

۶. توسعه فرآیند ارزیابی: استفاده از استانداردهای آموزشی می تواند به مدارس کمک کند تا فرآیند ارزیابی آموزشی را از جمله اینکه کدام روش‌های آموزشی بیشترین تأثیر را بر روی دانش‌آموزان داشته‌اند و اعمال بعدی پس از آزمایش‌های مختلف در همه واحدهای آموزشی در کل سطح کشور به کار بگیرند.

چالش‌های استانداردهای نظام آموزشی

افزایش کیفیت آموزش و پرورش در یک کشور وابسته به داشتن یک سیستم استاندارد و معین برای آموزش و پرورش در آن کشور است. در نظام آموزشی کشور، استانداردهای آموزشی می‌توانند به دو صورت کلی تقسیم بندی شوند:

۱. استانداردهای کلی: استانداردهایی که برای ساماندهی و مدیریت کلی نظام آموزشی در نظر گرفته می‌شوند. این استانداردها مانند قوانینی هستند که باید در کلیه مؤسسات آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها و ...) رعایت شوند.

۲. استانداردهای جزئی: استانداردهایی که به صورت جزئی به هر بخش از آموزش که باشد نظیر برنامه درسی، فرآیندهای آموزشی، ارزیابی، نظارت و بررسی‌های روند آموزشی قوانین تعیین شده است.

در حالی که استانداردهای آموزشی برای بهبود کیفیت آموزش و ارتقای آموزش و پرورش در کشور بسیار کاربردی هستند، اما می‌توانند چالش‌هایی را نیز داشته باشند. به عنوان مثال:

۱. متناسب نبودن استانداردها با وضعیت و نیازهای کشور: استانداردهایی که در کشورهای دیگر مطبق هستند، ممکن است با شرایط و نیازهای کشور خود مطابقت نداشته باشند.

۲. اعمال استانداردها در کمبود منابع: ممکن است در بعضی از موارد سازمان در وضعیتی قرار داشته باشد که برای اجرا کردن استانداردها به منابع کافی ندارد.

۳. عدم رعایت استانداردهای آموزشی: مسئولان و دانش‌آموزان و دانشجویان ممکن است در بعضی از موارد به رعایت استانداردهای اعلام شده علاقه نداشته باشند.

به عنوان یک حلقه جزء سیستم آموزشی کشور، رعایت استانداردهای آموزشی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و با اجرای درست و دقیق استانداردها، می‌توان بهبود کیفیت آموزش را بهبود بخشید و به دنبال توسعه‌ی دوام آموزش‌ها و ساماندهی بهتر سیستم آموزش و پرورش در کشور گام برداشت.

پیشنهادهای

برای بهبود نظام آموزشی کشور و افزایش کیفیت آموزش، پیشنهادات و راهکارهای زیر می‌تواند مفید باشد:

۱. بهبود محتوای آموزشی: یکی از چالش‌های بزرگ نظام آموزشی کشور، کیفیت محتوای درسی است. برای ارتقای کیفیت، باید محتوای آموزشی با توجه به نیازهای دانشجویان و بازار کار بهبود یابد.

۲. رعایت استانداردهای بین‌المللی: استانداردهای بین‌المللی برای نظام آموزشی اهمیت بسیاری دارد. برای افزایش اعتبار و شناخته شدن بیشتر نظام آموزشی کشور، باید استانداردهای بین‌المللی را رعایت کرد.

۳. ارتقای کیفیت مدیریت آموزشی: مدیریت آموزشی باید به گونه‌ای باشد که بتواند به بهبود کیفیت آموزش کمک کند. برای این منظور، نظام‌های مدیریت آموزشی (LMS) مطرح شده در دنیا، می‌تواند به عنوان الگو استفاده شوند.

۴. تکنولوژی: استفاده از فناوری‌های نوین در حوزه آموزش، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش کمک کند. مثلاً استفاده از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین و راهکارهای دیگر برای تسهیل یادگیری و بهینه‌سازی زمان آموزش قابل ارائه است.

۵. پیشرفت‌های اخیر در آموزش الکترونیکی و فاصله‌ای: استفاده از تکنولوژی برای ارائه آموزش از راه دور، فرصت‌های آموزشی گسترده‌تر و بهتری را برای دانشجویان ایجاد می‌کند. کنترل دسترسی برای محدود کردن دسترسی هر فرد به آموزش برای منافع جامعه باید سخت‌تر شود.

۶. مسئولیت پذیری: معمولا نظام های آموزشی دچار مشکلاتی در محیط بین رشته ای در موارد مانند تصحیح دانشجویی، سازماندهی /زمان و اولویت بندی و عدم شناسایی دغدغه های دانشجویان هستند. بهتر است مسئولیت ایجاد زمینه مناسب برای ارتقای کیفیت نظام آموزشی بر عهده دانشگاه باشد.

۷. آموزش علوم پایه: آموزش علوم پایه از اهمیت بسزایی برخوردار است. این دروس باید به گونه ای باشد که دانشجویانی را در آینده ایجاد کننده محصولات، خدمات و یا مدیران با توانایی های بیشتر ارائه دهد.

۸. ارتقا شفافیت: افزایش شفافیت در نظام آموزشی کشور، می تواند به ترغیب به پایبندی به استانداردهای آموزشی کمک کند. همچنین اطمینان از انتخاب درست رشته تحصیلی و هدف حوزه ای کشور مزیت بزرگی در جذب دانشجوی متخصص برای کشور دارد.

۹. استفاده از دانش بومی: استفاده از دانش بومی افراد همیشه یک راهکار موثر برای بهبود هر نظامی است. در نظام آموزشی، با برگزاری دوره های آموزشی تخصصی توسط افراد متخصص و خیره می توان به عنوان منابع بیشتری برای آموزش استفاده کرد.

۱۰. ایجاد انگیزه: ایجاد انگیزه برای دانشجویان و مربیان می تواند برای افزایش کیفیت و موفقیت در نظام آموزشی کشور مفید باشد. سیاست های ایجاد برنامه های پاداش و کنترل مربیان و دانشجویان با هدف افزایش حضور و فعالیت آنان می تواند تاثیر مثبتی در بالا بردن کیفیت داشته باشد.

۱۱. افزایش همکاری بین دانشگاه ها: همکاری بین دانشگاه های مختلف برای برگزاری دوره های مشترک، به افزایش تنوع در محتوای درسی و ارتقای کیفیت آموزش ارتقای می دهد.

۱۲. برنامه های پشتیبانی دانشجویی: برنامه های پشتیبانی به دانشجویان برای برطرف کردن نگرانی ها و استرس ها کمک می کند. برای موفقیت دانشجویان در درس های خود و ایجاد حس تعلق به دانشگاه، برنامه هایی مانند مشاوره آکادمیک، روانشناسی، تحت عنوان تیم های پشتیبانی ارائه می شود که به دانشجویان در یادگیری کمک می کند.

در نهایت، بهبود نظام آموزشی کشور کاری زمان بر است و نیازمند همکاری بین دستگاه ها و مسئولان است. طرح و بهبود ایده هایی که باعث بهبود نظام آموزش به نفع جامعه و کشور باشد، باید همیشه به عنوان یک اولویت مهم برای سیاستمداران و مسئولان عملیاتی پویا در نظام آموزشی ظهور کند.

نتیجه گیری

فرآیند استانداردسازی در آموزش و پرورش به منظور اهدافی همچون حفظ منافع جامعه متوجه شده است. با تأمین کیفیت مطلوب خدمات آموزشی، استانداردهای تعیین شده باعث کنترل و مدیریت فرآیندهای این سیستم می شوند و در نهایت، انتظارات دریافت کنندگان خدمات از این سیستم برطرف می شود. ابراز استانداردها در نظام آموزش و پرورش باعث صرفه جویی در استفاده از نیروی انسانی، انرژی، مواد مصرفی و تجهیزات و امکانات می شود. همچنین، با تدوین مراحل دستیابی به اهداف، سادگی در روشها و شیوه های انجام فعالیت های آموزشی و فعالیت های دیگر مثل اداری و ارتباطی را فراهم می کند. با تدوین و ابلاغ استانداردها به روشنی، ابزاری فراهم می شود که اربابان مصلحت سیستم آموزشی (جامعه به عنوان دریافت کنندگان خدمات و سیستم آموزشی به عنوان ارائه دهندگان خدمات) بتوانند به وضوح اهداف خود را اعلام کرده و فکری خود را به اشتراک بگذارند. همچنین، استفاده از استانداردهای آموزشی می تواند با ایجاد یکنواختی در فرآیندهای آموزشی، بهبود و بهینه سازی شرایط دستیابی به آنها را تسهیل کند و سبب پیشرفت کمی و کیفی در ساختار آموزش و پرورش شود. هدف این استانداردها توسعه ابعاد گوناگون سیستم آموزش و پرورش است و با بهینه سازی زمینه های مرتبط با فرآیندهای مختلف، به توسعه کمی و کیفی آنها کمک می کنند. لازم به ذکر است که برای استفاده کامل از فواید استانداردها در نظام آموزش و پرورش کشور، لازم است زمینه فرهنگی مورد نیاز جامعه فراهم شود. در صورتی که فرهنگ استفاده از استانداردها در جامعه سرشار از علاقه و اعتماد باشد، فرآیند استفاده از آنها بهبود

یافته و سیستم اجتماعی جامعه به عنوان یک کنترل کننده و ناظر بر اجرای استانداردها عمل کرده و به پایداری فرآیند استاندارد سازی کمک می کند.

منابع

- ۱- مهرداد یگانه، استاندارد و استاندارد کردن (تهران: مرکز آموزش تحقیقات صنعتی ایران، پائیز ۱۳۷۹)، ص ۱۴.
- ۲- مسلم بیات، تاریخچه استاندارد در ایران، ماهنامه استاندارد، شماره ۱۱۰ (آبان ۱۳۷۹)، ص ۳.
- ۳- رضا شافعی، استاندارد سازی در آموزش و پرورش، مقاله ارائه شده به دفتر بهبود کیفیت و راهبری استانداردها، (۱۳۸۲): ص ۳ و ۲.
- ۴- سیروس فخرایی، نقش متقابل استاندارد و فرهنگ، ماهنامه استاندارد، سال یازدهم، شماره ۱۰۹ (مهر ۱۳۷۹): ص ۲۷.
- ۵- سعید کهنسال، استاندارد سازی: شناخت- روشهای اجرا و تاثیرات آن، ماهنامه استاندارد، شماره ۱۱۰ (آبان ۱۳۷۶): ص ۲۱.
- ۶- عباس بازرگان، ارزشیابی آموزشی (تهران: سمت، ۱۳۸۰)، ص ۴۳.
- ۷- ابوالفضل بختیاری، استانداردها، ابزاری برای اعتبارسنجی و... نشریه شاخص (نشریه معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی، پیش شماره دوم، آبان ۱۳۸۲): ص ۲۷.
- ۸- مهرداد یگانه، استاندارد و استاندارد کردن (تهران: مرکز آموزش تحقیقات صنعتی ایران، پائیز ۱۳۷۹)، ص ۲۶.
- ۹- عفت عباسی، تعیین استانداردها نقطه آغاز اصلاحات در... نشریه شاخص (نشریه معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی، پیش شماره دوم، آبان ۱۳۸۲): ص ۲.
- ۱۰- کمیته سواد فناوری اطلاعاتی شورای ملی پژوهش ایالات متحده، تبحر در فناوری اطلاعات، ترجمه علی حسین قاسمی (تهران: انتشارات چاپار، ۱۳۸۱)، ص ۱۱.
- ۱۱- سیروس فخرایی، نقش متقابل استاندارد و فرهنگ، ماهنامه استاندارد، سال یازدهم، شماره ۱۰۹ (مهر ۱۳۷۹): ص ۱۹.
- ۱۲- کلید آموزش کجاست، نشریه اقتصاد ایران (مهر ۱۳۸۱)، ص ۱۸.
- ۱۳- کمیته سواد فناوری اطلاعاتی شورای ملی پژوهش ایالات متحده، تبحر در فناوری اطلاعات، ترجمه علی حسین قاسمی (تهران: انتشارات چاپار، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۰.
- ۱۴- کمیته سواد فناوری اطلاعاتی شورای ملی پژوهش ایالات متحده، تبحر در فناوری اطلاعات، ترجمه علی حسین قاسمی (تهران: انتشارات چاپار، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۰.
- ۱۵- حسین خنیفر، بهبود کیفیت و راهبری استانداردها- چرا؟، نشریه شاخص، (نشریه معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی، پیش شماره دوم، آبان ۱۳۸۲): ص ۱۲.
- ۱۶- مهدی محمودی، نقش استانداردهای آموزشی در ارتقاء کیفیت کار معلمان، نشریه شاخص، سال اول، پیش شماره ۲، (معاونت برنامه ریزی منابع انسانی، ۱۳۸۲): ص ۱۰.
- ۱۷- مریم خداپرست، نقش متقابل استاندارد و فرهنگ، مجموعه مقالات کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد، ۱۳۸۱، ص ۱۸۲.
- ۱۸- سکینه طالبی، نقش آموزش در ترویج و توسعه فرهنگ استاندارد، مجموعه مقالات کنفرانس توسعه و ترویج استاندارد، (موسسه استاندارد، ۱۳۸۱)، ص ۱۵۰.
- ۱۹- کلید آموزش کجاست، نشریه اقتصاد ایران (مهر ۱۳۸۱)، ص ۱۸.